

بررسی رابطه خسارت‌های ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان

سجاد نامور^۱، حامد بخشی^۲، مسعود ایمانیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵

از صفحه ۱ تا ۳۰

پژوهشنامه جغرافیای انسانی

سال هشتم، شماره سی و دوم، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

سرقت نوعی کج رفتاری دارای زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی است که تأثیر زیادی در کاهش احساس امنیت اجتماعی شهروندان دارد. در حال حاضر، نرخ افزایش سرقت‌ها در استان خراسان شمالی تبدیل به یک مسئله و دغدغه در ذهن اندیشمندان و متفکران اجتماعی و امنیتی شده است. از این رو در این پژوهش به بررسی رابطه خسارت‌های ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی پرداخته شده است.

پژوهش حاضر از نوع کمی است. داده‌ها از طریق پیمایش به دست آمده و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان استان خراسان شمالی است که نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران به تعداد (۳۸۴) نفر به دست آمد. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای متناسب با حجم اجرا شد. داده‌های حاصل از توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس»^۴ وارد شد و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد.

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون، همه فرضیه‌های پژوهش با اطمینان (۰/۹۹) و سطح خطای کوچک‌تر از (۰/۰۱) مورد تأیید قرار گرفتند و بین خسارت‌های مالی، جانی و حیثیتی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان به ترتیب (۰/۲۵۲)، (۰/۲۷۹) و (۰/۲۴۸) رابطه معنی وجود دارد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت بین خسارت‌های ناشی از سرقت و احساس ترس و ناامنی شهروندان خراسان شمالی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ خسارت‌های جانی بیشتر از سایر خسارت‌ها موجب کاهش امنیت اجتماعی شهروندان می‌شود و بعد از آن به ترتیب خسارت‌های مالی و حیثیتی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: احساس ترس و ناامنی، سرقت، خسارت‌های ناشی از سرقت، خسارت مالی، خسارت جانی، خسارت حیثیتی.

۱- گروه علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، خراسان رضوی، ایران.

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی سازمان جهاد دانشگاهی، خراسان رضوی، (نویسنده مسئول)، haamed.bakhshi@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، خراسان رضوی، ایران.

بیان مسئله

در ماده (۱۹۷) قانون مجازات اسلامی مصوب سال (۱۳۷۰) به این شرح آمده است که سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی؛ اما بعدها در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده (۲۶۷) با حذف قید (به طور پنهانی) به این صورت تبدیل شد که سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است (منصور، ۱۳۹۹، ص ۲۱۵). از نظر جامعه‌شناسی سرقت یک انحراف اجتماعی شناخته می‌شود و انحراف هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه منطبق و سازگار نباشد. انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نمی‌کند (کوئن^۱، ۱۳۸۱، ص ۴۲۳). زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی است. اگر ما از قواعدی که بعضی انواع رفتار را در زمینه‌های معینی به عنوان رفتارهای مناسب و رفتارهای دیگری را به عنوان رفتارهای نامناسب تعریف می‌کنند، پیروی نمی‌کردیم؛ فعالیت‌هایمان دستخوش هرج و مرج می‌شد. برای مثال، رفتار منظم در شاهرها، چنانچه رانندگان قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت نمی‌کردند، غیرممکن بود. هنجارهایی که ما در رفتارهایمان از آنها پیروی می‌کنیم به زندگی اجتماعی، خصلتی منظم و قابل پیش‌بینی می‌بخشد و جامعه‌شناسی تا اندازه زیادی با نشان دادن این که چگونه نظم اجتماعی برقرار می‌شود، سروکار دارد؛ اما این داستان روی دیگری نیز دارد. همیشه همه‌کس با انتظارات اجتماعی هم‌نواپی نمی‌کنند. رانندگان گاهی قواعد رفتار عبور و مرور را رعایت نمی‌کنند، حتی اگر زندگی دیگران در نتیجه آن به خطر افتد. هنگامی که شخصی شتاب زده، یا تحت تأثیر الکل باشد، ممکن است از روی بی‌پروایی رانندگی کند و حتی شاید در خلاف جهت یک خیابان یک طرفه میانبر بزند. افراد اغلب از قواعدی که انتظار می‌رود، تبعیت کنند؛ منحرف می‌شوند. مطالعه رفتاری انحرافی یکی از جذاب‌ترین وظایف جامعه‌شناسی است. این حوزه تحلیل جامعه‌شناسی پیچیده است؛ چراکه به همان اندازه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، انواع فراوان تخلف از قانون نیز وجود دارد. از آنجاکه هنجارها در میان فرهنگ‌های گوناگون درون یک جامعه فرق می‌کنند، آنچه در یک محیط فرهنگی طبیعی است، در محیط فرهنگی دیگر انحرافی است. کشیدن ماری‌جوانا در فرهنگ بریتانیایی یک عمل انحرافی

است، درحالی‌که نوشیدن نوشابه‌های الکلی این‌چنین نیست. در برخی از جوامع خاورمیانه این قضیه درست برعکس است (گیدنز^۱، ۱۳۹۸، ص ۳۴-۴۰).

نکته حائز اهمیت آن است که انواع انحرافات اجتماعی موجب کاهش احساس امنیت اجتماعی شهروندان می‌شوند. منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که افراد تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آن‌ها تأمین می‌شود و احساس ترس و نگرانی نمی‌کنند. احساس امنیت، هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در پارک به‌ویژه در اواخر روز و هنگام شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و... را شامل می‌شود. احساس امنیت از آن جهت مهم است که به برداشته‌ها و پنداشته‌های مردم نسبت به محیط و دیگران توجه می‌کند؛ به‌طورکلی در تعریف این مفهوم می‌توان گفت احساس امنیت عبارت است از میزان آرامش خاطر ذهنی و روانی انسان‌ها در مورد مسائل جانی، مالی و سیاسی و اینکه چقدر در برابر خطرات احتمالی و از جانب دیگران مصونیت دارند. احساس امنیت از جمله نیازهای اساسی، حیاتی و دائمی جوامع است؛ بدین ترتیب ایجاد، حفظ و گسترش آن از اهداف، وظایف و ارزش‌های بنیادین دولت‌ها است. احساس امنیت، جزئی جدانشدنی از افکارعمومی و نگرش جامعه به امنیت است؛ به‌عبارت‌دیگر احساس امنیت بعد ذهنی امنیت است (دلاور و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

طبق آمارهای اخذشده از پلیس استان خراسان‌شمالی، نرخ وقوع انواع سرقت در سال (۱۳۹۸) به نسبت سال گذشته نزدیک به (۴۸) درصد افزایش یافته است و روند رو به رشد این انحراف اجتماعی در سال‌های اخیر موجب شده است تا در ذهن اندیشمندان و نخبگان اجتماعی و امنیتی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود. با توجه به تأثیر انواع سرقت‌ها در کاهش احساس امنیت اجتماعی شهروندان، بررسی علمی این مسئله اجتماعی، می‌تواند از طریق ارتقاء شناخت و آگاهی کارشناسان و اندیشمندان این حوزه نسبت به وضعیت موجود و ارائه راهکارهای درمانی برای جرح‌وتعدیل آن، موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان شده و زمینه‌ساز تحقق امنیت پایدار در این حوزه باشد. از این‌رو هدف این پژوهش شناسایی رابطه بین خسارت‌های ناشی از سرقت اعم از خسارت‌های مالی، جانی و حیثیتی با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان‌شمالی است و پژوهشگران به دنبال پاسخ به این

پرسش هستند: آیا بین خسارت‌های ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

بارانی و شاهینی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه میزان اهمیت اثر متغیرهای کلان اقتصادی در وقوع جرم سرقت اماکن و وسایل نقلیه»، بیان می‌دارند: جرم سرقت یک پدیده نامناسب اجتماعی است که آثار منفی اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد. وقوع آن در جامعه موجب ائتلاف منابع بخش خصوصی و عمومی در مبارزه و کنترل با جرم می‌شود و با تهدید امنیت اجتماعی و اقتصادی، انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. در این پژوهش به بررسی تأثیر شاخص‌های اقتصادی بر وقوع جرم سرقت اماکن و وسایل نقلیه در استان‌های منتخب؛ تهران، آذربایجان شرقی، خوزستان، خراسان رضوی، کرمان در یک دوره (۷) ساله طی (۱۳۸۸-۱۳۹۴) پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و مطالب آن به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع آماری و مقالات تألیفی و ترجمه‌ای و پژوهش انجام‌شده در بنیاد نخبگان نیروهای مسلح گردآوری شده است و در این پژوهش با استفاده از روش‌های مرسوم در تحلیل اقتصادی جرم به‌ویژه مدل جرائم مبتنی بر انگیزه، به بررسی عوامل مؤثر بر جرم (سرقت اماکن و وسایل نقلیه) در ایران پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ضریب متغیر شاخص رشد اقتصادی در هر سه معادله سرقت کل، سرقت اماکن و سرقت وسیله نقلیه دارای ضریب منفی و معنی‌دار است. مقدار ضریب متغیر رشد اقتصادی در مدل سرقت اماکن بزرگ‌تر از سایر معادلات است و به این معناست که افزایش نرخ رشد اقتصادی موجب کاهش وقوع جرم سرقت به‌خصوص سرقت اماکن خواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت که تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر وقوع جرم سرقت اماکن و وسایل نقلیه در استان‌های منتخب معنی‌دار است و همچنین سیاست‌گذاران کشور برای کاهش جرائم مربوط به سرقت پیش از این که توجه خود را به مسائل انتظامی و قضایی معطوف کنند، می‌بایست به عوامل افزایش جرم توجه بیشتری داشته باشند.

گودرزی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری» که به روش پیمایش مقطعی انجام شد به این نتیجه رسیدند که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، نوع نگرش به عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی، میزان دین‌داری، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، احساس نابرابری و ابعاد آن، با احساس امنیت ارتباط داشته‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیری نیز نشان می‌دهند به جز شش متغیر مستقل وضعیت تأهل، تحصیلات، نوع نگرش به عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و احساس نابرابری، سایر متغیرها به دلیل داشتن واریانس مشترک از معادله رگرسیون خارج شده‌اند و میزان احساس نابرابری و احساس امنیت در استان لرستان در حد متوسطی بوده است.

مهابادی و بهمن‌آبادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیرگذاری کنترل مال‌خران در کاهش جرم سرقت» با نگاه تطبیقی، بیان می‌دارند: امروزه به لحاظ پیچیدگی روابط اجتماعی و وجود رابطه اجتناب‌ناپذیر در زندگی شهروندان، سرقت نه تنها شخص مال‌باخته، بلکه به موازات آن امنیت جامعه را نیز متزلزل می‌کند و انگیزه کار و تلاش و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد. سرقت موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و بخش‌های زیادی از بیت‌المال و سایر امکانات کشور باید صرف پیشگیری از سرقت و مبارزه با تبهکاران و سارقان، اداره زندان‌ها، تأمین زندگی خانواده‌های زندانیان و غیر آن شود که آثار زیان‌بار آن بر مصرف‌کننده‌ها و شهروندان تحمیل شده و اضطراب و نگرانی دامن‌گیر خانواده‌ها می‌شود و از لحاظ سیاسی، امنیت داخلی مخدوش شده و موجبات نارضایتی و اعتراض مردم را فراهم می‌کند.

محمدی، امیری و جوهر (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «اولویت‌بندی وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر سطح امنیت اجتماعی با استفاده از روش تحلیل رابطه‌ای خاکستری (GRA)» بیان می‌دارند: امنیت از عناصر اصلی نیازهای انسانی محسوب شده و اهمیت این امر تا اندازه‌ای افزایش یافته است که به تعبیر برخی، کار ویژه بی‌بدیل دولت‌ها، ایجاد و حفظ امنیت است. این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی و از لحاظ هدف، کاربردی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پنج شاخص سرقت از اماکن دولتی، قتل عمد، تصادفات برون‌شهری، قاچاقچیان

دستگیر شده در زمینه مواد مخدر، ضرب و جرح و صدمه دارای کمترین درجه رابطه‌ای خاکستری هستند. بر اساس نتایج پژوهش، شاخص‌های مذکور از وضعیت نامناسب‌تری در مقایسه با سایر شاخص‌های امنیت اجتماعی برخوردار هستند و توجه بیشتر مسئولان و برنامه‌ریزان را برای بهبود وضعیت این شاخص‌ها در جهت ارتقای سطح امنیت اجتماعی کشور می‌طلبد.

بهیان و فیروزآبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها (مورد مطالعه شهر کرمان)» بیان می‌کند که با رشد و توسعه شهرنشینی و گسترش کلان‌شهرها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی شهروندان در شهرها، مفهوم امنیت در شهرها از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر گرفته است. رشد و گسترش ناامنی در شهرها با مطرح شدن پیچیدگی فناوری و تقسیم‌کار اجتماعی بیش از توسعه فیزیکی شهرها بوده و این امر احساس امنیت و آسایش را مورد تهدید قرار داده است. این پژوهش با استفاده از روش میدانی و تکنیک پیمایش و شامل همه شهروندان بالای (۲۰) سال به بالای شهر کرمان و حجم نمونه (۵۳۰) نفری انجام گرفته است.

لطفی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بر جرم در کشور، رهیافت تکنیک داده‌های ترکیبی (مطالعه موردی سرقت و قتل)» بیان می‌دارد: از جمله مسائلی که از اهمیت ویژه برخوردار بوده و اثرات زیان‌بار اجتماعی-اقتصادی را بر جامعه تحمیل می‌کند، موضوع جرم است. وقوع جرم متأثر از عوامل متعددی نظیر بیکاری، فقر، تورم و مانند این‌ها است که بیشتر ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه دارند. با توجه به اهمیت امنیت، بررسی عوامل مؤثر بر جرم برای پیشگیری از آن ضروری بوده و از این‌رو، مطالعه حاضر می‌کوشد تا به بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر جرم در ایران بپردازد. پژوهش حاضر با استفاده از الگوی داده‌های ترکیبی، رابطه میان عوامل اقتصادی-اجتماعی (بیکاری، نابرابری درآمدی، شهرنشینی، فقر و تورم) و جرم را در سال‌های (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱) مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از برآورد الگوهای سرقت و قتل، بیانگر آن است که میان نرخ بیکاری، فقر، تورم، نابرابری درآمدی با سرقت و قتل رابطه مثبت و معنادار برقرار است. همچنین نتایج نشان داد که اگرچه میان نسبت شهرنشینی و سرقت رابطه مثبت و معنادار برقرار

است؛ اما این رابطه در الگوی قتل بی‌معنا است. به عبارت دیگر میان قتل و نسبت شهرنشینی رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج پژوهش با نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی در این حوزه همخوانی دارد؛ بنابراین از نظر سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود تا با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، سیستم قضایی و دولت در پیشگیری از جرم و مقابله با آن از برخورد قانونی صرف کاسته و در کنار مفهوم قانونی جرم، به عوامل تأثیرگذار بر این آسیب اجتماعی که بیشتر اجتماعی و اقتصادی هستند، توجه ویژه کنند. از طرفی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی، مسائل امنیتی نیز مورد توجه قرار گیرد.

واصفیان (۱۳۹۰) در پژوهشی با نظرسنجی از دانشجویان، مدیران، اساتید و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان عوامل خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی سرقت زنان را مورد بررسی قرار داد. نتایج نظرسنجی نشان داد از نظر پاسخگویان عوامل فرهنگی (مهاجرت، رسانه‌ها و مشاهده رفتارها) و عوامل اقتصادی (وضعیت اقتصادی خانوار، کمبود امکانات تفریحی، ورزشی و مطالعاتی) بر سرقت زنان مؤثر است.

باللی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج» انجام داده است. این پژوهش به صورت پیمایشی و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش، افراد (۱۸) سال به بالای شهر یاسوج بوده که (۳۸۰) نفر از آن‌ها به صورت نمونه انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری میان افراد جوان و مسن، مجرد و متأهل و لرها و سایر اقوام از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی، اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دین‌داری، نگرش نسبت به عملکرد پلیس و متغیر وابسته میزان احساس امنیت اجتماعی دیده می‌شود.

سوئدبرگ و گرانووتر^۱ (۲۰۲۰) در کتابی با عنوان «جامعه‌شناسی اقتصادی (ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی)» با ارائه آمارهای بین‌المللی و نظریه‌های گوناگون حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی معتقدند کنش‌های اقتصادی هرگز منحصراً از منافع اقتصادی

نشئت نمی‌گیرند و به محض اینکه کنشگران شروع به تعامل با سایرین می‌کنند، منافع دیگر یعنی منافع اجتماعی وارد می‌شوند؛ یعنی پدیده‌های اقتصادی بر زمینه‌های اجتماعی حک شده‌اند و قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.

زولکیفلی^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «طراحی شاخص جرم سرقت خودرو در شبه‌جزیره مالزی» بیان می‌دارد که سرقت وسایل نقلیه از انواع جرم علیه اموال شناخته شده و به عنوان جرم رایج در مالزی در نظر گرفته می‌شود. افزایش تعداد سرقت‌های وسایل نقلیه نیاز به کنترل صحیح توسط مسئولان پلیس دارد، خصوصاً از طریق برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات راهبردی و مؤثر. با وجود این، تلاش برای کنترل این جرم بسیار آسان‌تر می‌شود، اگر نشانه یا شاخص خاصی مخصوص سرقت وسایل نقلیه وجود داشته باشد. این مطالعه باهدف ایجاد و طراحی شاخص سرقت وسایل نقلیه است. شاخص سرقت وسایل نقلیه ارائه شده در این مطالعه به سه مرحله اصلی نیاز دارد. مرحله اول شامل شناسایی ابعاد و معیارهای مربوط به سرقت وسیله نقلیه، مرحله دوم محاسبه درجات اهمیت و اولویت آن‌ها که در این مرحله داده‌های سرقت بر اساس نظر مسئولان پلیس وزن‌دهی می‌شوند و مرحله نهایی شامل ساختن شاخص سرقت وسیله نقلیه با استفاده از روش ترکیبی خطی یا وزن‌دهی است. میانگین حسابی نتایج نشان می‌دهد که دو روش مورد استفاده برای تعیین وزن و شاخص سرقت وسیله نقلیه مشابه هستند. اطلاعات حاصل از نتایج می‌تواند به عنوان منبع اصلی برای مقامات محلی برای برنامه‌ریزی راهبردهای کاهش سرقت وسایل نقلیه و برای شرکت‌های بیمه در تعیین نرخ‌های حق بیمه اتومبیل استفاده شود.

جکسون^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «احساس ناامنی» بیان می‌کند که داده‌های حاصل از پیمایش درباره جرائم محلی نشان داده است که پاسخ‌دهندگان دیدگاه اقتدارگرایانه‌تری درباره قانون و نظم دارند. همچنین آن‌ها نسبت به انحراف درازمدت جامعه نگران هستند، احتمالاً بیشتر از سایرین بی‌نظمی محیط را درک می‌کنند. همچنین بیشتر احتمال دارد که آن‌ها این نشانه‌های فیزیکی را به مشکلات مربوط به

1- Zulkifli

2- Jackson

اجتماع و انسجام اجتماعی و کیفیت روبه‌زوال پیوندهای اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی ربط دهند.

مارتین^۱ (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «ناامنی ادراک‌شده در فضای عمومی» انجام داده است. در این پژوهش احساس ناامنی در میان ساکنان شهر بارسلونا با سه عامل محیطی، اجتماعی و شخصی، متناسب دانسته شد. هدف این پژوهش کشف فاکتورهای اصلی اثرگذار بر ناامنی ذهنی استفاده‌کنندگان از معابر عمومی در شهر بارسلونا بود که در پایان به این نتیجه رسید که ادراک ناامنی در فضاهای عمومی بسیار با پروسه تعاملات اجتماعی و ساخت اجتماعی ناامنی رابطه دارد.

اینس^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر بی‌نظمی در برهم زدن امنیت اجتماعی» بیان می‌کند که برخی بی‌نظمی‌ها و جرائم خشونت خانوادگی ممکن است از سوی مردم نادیده گرفته شود و حال آن‌که حوادث دیگری که چه‌بسا اهمیت کمتری داشته باشند، ممکن است شاهد یا علامتی دال بر وجود تهدید پایدار علیه امنیت جامعه تلقی شود. او با بهره‌گیری از یافته‌های جامعه‌شناختی تعامل نمادین، مفهومی را ابداع کرد که برای فهم چگونگی تفسیر مردم از تهدیدات، بی‌نظمی‌ها و جرائم علامت‌دهنده علیه امنیت خود سودمند بوده و توضیح می‌دهد که چگونه مردم فضای اجتماعی را به‌طور نمادین ساماندهی می‌کنند.

نوراستورم^۳ (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان «سرقت و رشد اقتصادی در کشور سوئد» به بررسی فرضیه‌ای کلاسیک در جرم‌شناسی می‌پردازد: این‌که رابطه بین شرایط اقتصادی و تعداد سرقت‌ها در جامعه پیش از صنعتی‌شدن منفی است؛ اما در دوران مدرن مثبت است. دو دوره زمانی که با روند مشخص در میزان سرقت مشخص شدند، با تکنیک باکس-جنکینز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. با توجه به یافته‌ها، کاهش نرخ سرقت در دوره اول با بهبود شرایط زندگی قابل تبیین است. به نظر می‌رسد افزایش سرقت پس از جنگ، نتیجه افزایش در دسترس بودن اشیاء مطلوب برای سرقت و افزایش حاشیه‌نشینی ناشی از بازار کار صنعتی است. نتایج نشان می‌دهد که دو تغییر

1- Marten
2- Innes
3- Norström

اساسی که در میزان سرقت سوئد طی (۱۵۰) سال گذشته رخ داده؛ در نتیجه تغییر در ساختار اقتصادی-اجتماعی آن کشور است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: پژوهشگران بیشتر به بررسی متغیرها یا عوامل مختلف مؤثر بر جرم سرقت و احساس امنیت اجتماعی مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انتظامی پرداخته‌اند و کمتر خسارت‌های ناشی از سرقت و رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی، مورد بررسی علمی قرار گرفته است. این پژوهش با گشودن دریچه نوینی در نگاه به مسئله سرقت و رابطه آن با احساس ترس و ناامنی شهروندان، می‌تواند به آگاهی و شناخت انسان نسبت به واقعیت اجتماعی موجود افزوده و بر این اساس راهکارهای جدیدی را به متولیان نظم و امنیت ارائه دهد.

مبانی نظری

امنیت:

امنیت یک مفهوم چندوجهی است و از این رو درباره معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (نامور، ۱۳۹۹، ص ۲۱). در فرهنگ معین، مقابل کلمه امنیت، ایمن شدن و در امان بودن و بی‌بیمی (معین، ۱۳۹۰، ص ۵۱۹) و در فرهنگ لاروس به معنای اعتماد، آرامش روحی و روانی، تفکری که بر اساس آن ترس و خسران بی‌معنی می‌شود و همچنین فقدان مخاطرات آمده است (جر، ۱۳۹۱، ص ۴۷۲). دهخدا امنیت را بی‌خوفی و بی‌بیمی معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۷).

گاه امنیت به مفهوم حالتی که افراد در شرایط خاص نسبت به حفظ و صیانت حقوق مشروع خود احساس می‌کنند، نیز اطلاق می‌شود که متلازم و مترادف با حالت آرامش و اطمینان در برابر اضطراب و نگرانی‌های فردی است (تاجیک، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸).

احساس امنیت:

به جنبه ذهنی و روانی امنیت اشاره دارد و عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت «رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرامش‌بخش» همچنین به معنای

فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است. به‌طور کلی در تعریف این مفهوم می‌توان گفت احساس امنیت عبارت است از میزان آرامش خاطر ذهنی و روانی انسان‌ها در مورد مسائل جانی، مالی و سیاسی و اینکه چقدر در برابر خطرات احتمالی و از جانب دیگران مصونیت دارند. احساس امنیت از جمله نیازهای اساسی، حیاتی و دائمی جوامع است، بدین ترتیب ایجاد، حفظ و گسترش آن از اهداف، وظایف و ارزش‌های بنیادین دولت‌ها است. احساس امنیت جزئی جدانشدنی از افکار عمومی و نگرش جامعه به امنیت است، به عبارت دیگر احساس امنیت بعد ذهنی امنیت است (دلاور و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به مفهوم قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول است (بوزان، ۱۳۸۷، ص ۳۴). علاوه بر این در اندیشه اسلامی، رعایت تقوا و معیارهای الهی و سپس انسانی، اصلی‌ترین شرط تحقق امنیت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها و مقابله با متعديان به حقوق عمومی و امنیت جمعی، به شمار می‌رود (اخوان‌کازمی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). از این رو می‌توان گفت انحرافات اجتماعی در درجه اول به‌عنوان تهدیدی در مقابل امنیت اجتماعی قرار دارند و در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت: امنیت اجتماعی شخص، به معنی حفظ جان، مال و آبرو و موقعیت‌های اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی است؛ یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون، جان، مال و حیثیت یا آبروی فرد مورد تهدید قرار نگیرد. به این ترتیب امنیت اجتماعی عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی، یا فردی، یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد (نریمانی، ۱۳۹۵، ص ۷۸).

سرقت:

در ماده (۱۹۷) قانون مجازات اسلامی نوشته شده است که سرقت عبارت است از: ربودن مال غیر. در سایر کشورها نیز از عناصر مشابهی برای تعریف سرقت استفاده شده است، مثلاً در حقوق فرانسه که بخش زیادی از قوانین حقوقی کشورمان منبعث از آن

است چنین آمده: هرکس شیء را که متعلق به او نیست، متقلبانه برباید مرتکب جرم دزدی شده است (ولیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸). در قانون حقوقی آلمان این تعریف از سرقت آمده است: کسی که به یکی از طرق غیرمشروع مال منقول متعلق به دیگری را به قصد تملک ببرد، سارق است. قوانین حقوقی انگلستان سرقت را این گونه تعریف می کنند: سرقت عبارت است از ربایش مال قابل دزدیدن به طور متقلبانه و برخلاف رضایت مالک با قصد محروم ساختن مالک، به طور دائم (میر محمدصادقی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۸).

خسارت:

خسارت به معنای هرگونه ضرر و زیانی واردشده به شخص است که در یک دسته بندی دارای دو بعد کلی خسارت مادی و خسارت معنوی است. خسارت مادی شامل صدمات جانی و ضررهای مالی بوده و خسارت معنوی شامل ضرر و ضربه به آبرو و حیثیت افراد است. در دسته بندی دیگر خسارت را شامل سه نوع مالی، بدنی و حیثیتی می دانند. امروز انواع خسارت هایی که به افراد وارد می شود، افزایش یافته است و روش ها و راهکارهای زیادی برای بازرس گرفتن خسارت های واردشده به افراد به وجود آمده است (اسماعیلی، ۱۳۷۷، ص ۱۴-۱۸). کاتوزیان خسارت را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم بندی می کند و خسارت معنوی را صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی مانند از بین رفتن آبرو و حیثیت افراد می داند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴).

چارچوب نظری

چارچوب نظری یک الگوی مفهومی مبتنی بر روابط تئوریک میان عوامل با اهمیت در خصوص موضوع پژوهش است و پس از بررسی سوابق پژوهشی در قلمرو مسئله به گونه ای منطقی جریان پیدا می کند. با توجه به تعاریف ارائه شده و ذکر پیشینه، در اینجا نظریه های مرتبط با قلمرو پژوهش جهت تدوین مدل نظری مورد بررسی قرار می گیرند.

- **بوزان:** باری بوزان^۱ امنیت بشری را در پنج مقوله طبقه‌بندی می‌کند از نظر او امنیت‌رهایی نسبی از تهدیدهای زیان‌بخش تعریف می‌شود که عبارت‌اند از:
- امنیت نظامی: اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر.
 - امنیت سیاسی: ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی که به آن‌ها مشروعیت می‌دهد.
 - امنیت اقتصادی: دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت.
 - امنیت اجتماعی: قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، مذهب و هویت ملی با شرایط قابل قبولی از تحولات.
 - امنیت زیست‌محیطی: حفظ محیط محلی-جهانی به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری متکی به آن است.
- به عقیده بوزان، این پنج حوزه جدای از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هر یک از آن‌ها کانونی را در مسئله امنیت و شیوه‌ای را برای ترتیب‌بندی اولویت‌ها تعریف می‌کند؛ اما همگی در شبکه نیرومندی از روابط و پیوندها درهم‌تنیده شده‌اند (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۸).
- **مولار^۲:** مولار صاحب‌نظر دیگری است که در باب امنیت اجتماعی با الهام از نقطه نظرات بوزان و ویور اظهارنظر کرده است و آن را از باب هدف و مرجع امنیت (اینکه تأمین امنیت برای چه کسانی است) و نوع تهدیدها (خطرات و آسیب‌هایی که مبارزه با آن‌ها هدف امنیت محسوب می‌شود) از یکدیگر متمایز کرده است. او امنیت را در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی در نظر گرفته و به تعیین حدود هر یک از آن‌ها می‌پردازد (توسلی، ۱۳۸۱، ص ۶۳).

1- Barry Buzan

2- Molar

- ۱- میتار^۱: میزان میتار، برای ارزیابی امنیت، از مدلی نظام‌مند استفاده می‌کند و در این کار به نظریه «آنارشی اجتماعی بیلی» تکیه می‌کند. وی می‌کوشد مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت (افراد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه و سیستم فراملی) تحلیل کند و به‌جای تعادل از آنارشی (هرج و مرج) به‌عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده می‌کند (توسلی، ۱۳۸۱، ص ۶۷).
- ۲- زیمل^۲: بر اساس نظریه زیمل، تقابل از طریق تشدید احساس جدابودن از سایرین، مرزهای میان گروه‌ها را در سیستم اجتماع وضع کرده است. از جانب دیگر زیمل مشخص می‌کند که دفع دوسویه از هر دسته و گروه باعث نگهداری کل سیستم اجتماعی می‌شود، چراکه با این وسیله تعادلی میان گروه‌های مختلف موجود در اجتماع به وجود خواهد آمد. زیمل تأکید می‌کند وجود گروه‌های متعدد و تقابل میان آن‌ها می‌تواند نظام را برپا نگه دارد (توسلی، ۱۳۸۱، ص ۷۰).
- ۳- لومان^۳: لومان اعتماد را از مفهوم اطمینان تمیز داده و معتقد است اعتماد با مفهوم مخاطره یا ریسک در ارتباط است. او بر طبقه‌بندی جهان فردی به حوزه آشنا و حوزه ناآشنا، تأکید دارد و دنیای آشنا را در حیطه هنجارها و عادت‌هایی می‌داند که برای حفظ انسجام و تعیین سیستم اجتماعی کافی به نظر می‌رسد (لومان، ۱۹۷۹)؛ اما در جهان مدرن که لومان بیشتر حوزه‌های آن را در ذیل دنیای ناآشنا طبقه‌بندی می‌کند، این هنجارها دیگر هیچ کارکردی نخواهد داشت. همین امر سبب‌ساز احساس ناامنی فرد در این حوزه است. از دید لومان تا زمانی که فرد در حوزه آشنا زندگی می‌کند، احساس ناامنی نمی‌کند و احساس ناامنی زمانی به وجود می‌آید که فرد پا به دنیای ناآشنا می‌گذارد. وی تنها راه‌حل ایجاد احساس امنیت در حوزه ناآشنا را اعتماد به سیستم‌های انتزاعی می‌داند (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۸، ۳-۴).

1- Meatar
2- Simmel
3- Luhmann

- افلاطون: وی در آثار متعدد خود به‌ویژه در کتاب «سیاست» معروف به «جمهوری» و کتاب «نوامیس» معروف به «قوانین» خواهان جامعه‌ای آرمانی (مدینه فاضله) است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. او معتقد است که نباید گذاشت هم در فرد و هم در جامعه یکی از قوا بر دیگری پیشی گیرد؛ زیرا هم در فرد و هم در جامعه تزلزل و انحطاط به میان خواهد آمد و امنیت ناپدید خواهد شد؛ بنابراین برای تأمین امنیت اجتماعی و رفاه باید به سلاح علم و حکومت مجهز شد (تنهایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).
- کنت: رابطه نظم و امنیت نخستین بار از دیدگاهی جامعه‌شناسانه به‌وسیله آگوست کنت مورد بررسی قرار گرفت. کنت بر این نکته تأکید داشت که جامعه به وجود نمی‌آید، مگر آنکه اعضایش اعتقادات واحدی داشته باشند. بدین‌سان جامعه نیز مانند هر پدیده طبیعی مادی، تابع قوانین تغییرناپذیری است و در صحنه زندگی اجتماعی همواره مجموعه‌ای اصول و قواعد وجود دارد که باعث می‌شود عقل افراد با توافق یک‌صدا از افکار کلی که منجر به آیین مشترک می‌شود، تبعیت کنند و با این هماهنگی بین ذهن‌ها، نظم اجتماعی استقرار می‌یابد (تنهایی، ۱۳۹۰، ص ۴۵).
- دورکیم^۱: آزادی زاییده قاعده‌بندی است، اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی معتبری وجود نداشته باشد، تنها قانون جنگل حاکم خواهد شد و ستیزه‌جویی حالتی مزمز به خود می‌گیرد. پدیده بیمارگونه هرج‌ومرج، مخالف نفس هدفی است که هر جامعه‌ای دارد. هدف جامعه تبدیل روابط ستیزآمیز و مقابله با قانون «قوی‌تر حق است» می‌باشد. پس قانون بقای اصلح تسهیل‌کننده آزادی فردی نیست و البته هیچ‌چیزی نادرست‌تر از تخاصم و تقابلی نیست که اغلب بین «اقتدار نظم و قاعده» اجتماعی با «آزادی» فرد برقرار می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۱۰-۱۱).
- مارکس^۲: مارکس برای جواب دادن به اینکه انسان در اجتماع چگونه، بر چه اساسی، تحت هدایت چه چیزی، زندگی جمعی و رفتارهای خویش را سامان

1- Comte
2- Durkheim
3- Marx

داده و از خطرات و تهدیدها در امان می‌ماند، مدلی از تضاد را مطرح کرد. مارکس با این فرض کار خود را آغاز می‌کند؛ سازمان‌بندی اقتصادی به‌ویژه مالکیت و ابزار تولید ساختار کل جامعه را تعیین می‌کند. او معتقد است که انسان اجتماعی و آگاه برای رفع نیازهای جسمانی خود میل به انجام فعالیت آگاهانه یعنی کار دارد. از این معنا کار را در ارتباط با امنیت معنا می‌کند و امنیت را به دفع خطرات و آسیب‌ها با هدف استمرار بقا و حیات بشر و بهبود شرایط زندگی در نظر می‌گیرد (بوزان، ۱۳۸۷).

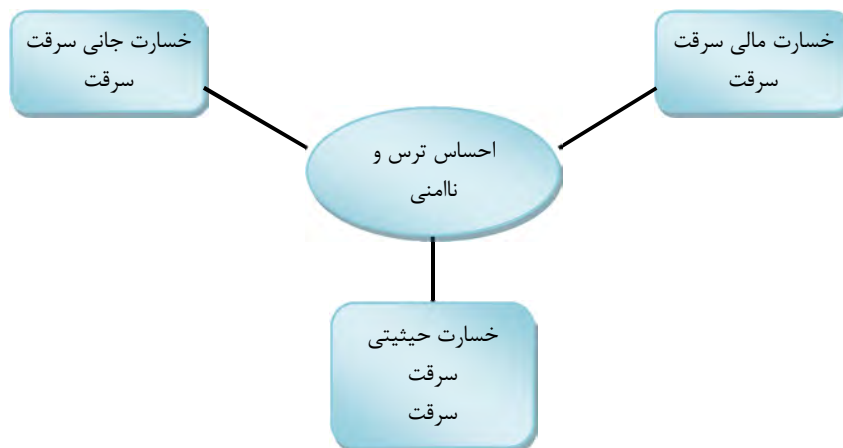
- **گیدنز:** از نظر گیدنز، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک‌رشته خطرهای خاص مقابله شده و یا به حداقل رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل، اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به انبوهه‌ها یا مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشند. به این ترتیب گیدنز امنیت را مصونیت در برابر خطرها می‌داند. گیدنز تأکیدی بر ناامنی‌ها و مخاطرات برخاسته از دنیای نوین دارد. مخاطرات فراوانی از جمله مخاطرات بوم‌شناختی، مخاطرات ناشی از سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، فروپاشی تمام‌عیار نظام‌های اقتصادی، ظهور ابر دولت‌های خودکامه و مطلق‌گرا و ... همگی از جمله این ناامنی‌ها به شمار می‌آیند (گیدنز، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶-۱۴۵).

- **پارسونز:** نظام الگومندی از روابط اجتماعی میان کنشگران و الگوهای مناسبات اجتماعی را باید به‌منزله الگوهای هنجاری (نهادهای اجتماعی) تلقی کرد. نهادهای اجتماعی، چارچوب یک جامعه را تشکیل می‌دهند. این قبیل نهادهای اجتماعی، ساختارهای کلانی مانند ازدواج، مناسبات خویشاوندی، مالکیت، مبادلات کالایی، دیوانسالاری، تخصص، حاکمیت - حکومت انتخابی توحید، فرق مذهبی و آموزش اختیاری و نهادهای فردی هستند که حیات موقت دارند. در واقع محور و مرکز سنجش امنیت بخشی یا امنیت زدایی جامعه به‌وسیله نهادهای قانونی و حقوقی صورت می‌گیرد. این نهادها با تعیین تکلیف‌ها،

همبستگی و یگانگی جامعه را رقم می‌زنند و عوامل مزاحم و مخل انسجام را توسط بازوهای انتظامی، کنترل و مجازات می‌کنند (تنهایی، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

در جمع‌بندی مباحث نظری مطرح‌شده باید بدین نکته اذعان کرد که عوامل مختلفی بر مقوله امنیت اجتماعی و انحرافات اجتماعی تأثیرگذارند و دسته‌بندی‌های گوناگونی در این زمینه وجود دارد. در وهله اول امنیت اجتماعی را می‌توان احساس اطمینان خاطر ناشی از رفع تهدیدهای زیان‌بخش یا خطرآفرین دانست. در این زمینه بوزان امنیت را رهایی نسبی از تهدیدهای زیان‌بخش تعریف می‌کند. همچنین گیدنز امنیت را موقعیتی می‌خواند که در آن افراد با یک‌رشته خطرهای خاص مقابله شده و یا به حداقل رسانده‌شده، مواجه باشند و امنیت را مصونیت در برابر خطرها می‌داند. ضمن اینکه مارکس نیز امنیت را به دفع خطرات و آسیب‌ها برای استمرار بقا و حیات بشر و بهبود شرایط زندگی در نظر می‌گیرد. بر این مبنا امنیت اجتماعی در حوزه سرقت‌ها را می‌توان در کاهش تهدیدها و خسارت‌های ناشی از آن دانست. از طرفی با توجه به نظریه‌های اسماعیلی و کاتوزیان، خسارت‌ها به سه حوزه جانی، مالی و حیثیتی تقسیم‌بندی می‌شوند.

بنا بر آنچه آورده شد، می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که سرقت یا دزدی از جمله انحرافات اجتماعی پرتکرار است که از طریق آن سارق یا سارقان با واردکردن خسارت‌هایی به افراد، موجب اشاعه ناامنی در جامعه و کاهش احساس امنیت اجتماعی خواهدشد و این خسارت‌ها شامل خسارت‌های مالی، جانی و حیثیتی هستند؛ از این‌رو مهم‌ترین متغیر این پژوهش احساس ترس و ناامنی در نظر گرفته می‌شود که متغیر وابسته به شمار می‌آید و مؤلفه‌های خسارت‌های مالی، جانی و حیثیتی ناشی از سرقت به‌عنوان متغیرهای مستقل قلمداد شده و مدل نظری پژوهش برابر شکل شماره (۱) ترسیم می‌شود.



شکل شماره (۱). مدل نظری پژوهش.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کمی است و داده‌ها از طریق پیمایش به دست آمده‌اند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که بر اساس مدل نظری پژوهش تدوین شده و اعتبار صوری آن در مصاحبه با خبرگان و کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی ابزار نیز به روش آلفای کرون باخ، با میزان (۰/۸۲) در سطح خوب ارزیابی و سنجیده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان استان خراسان شمالی است که برابر سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال (۱۳۹۵) به تعداد (۸۶۳۰۹۲) نفر است و پرسشنامه در میان جمعیت بالای (۱۸) سال توزیع شد. نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران به تعداد (۳۸۴) نفر به دست آمد. استان خراسان شمالی دارای هشت شهرستان است. از این رو نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای متناسب با حجم اجرا شد. به این صورت که هر شهرستان به عنوان یک طبقه انتخاب و در داخل هر طبقه متناسب با حجم آن طبقه به نسبت جامعه آماری پرسشنامه در میان شهروندان به صورت نمونه در دسترس توزیع شد. داده‌های جمعیت‌شناختی حاصل از توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت و داده‌ها به نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» وارد شد. با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش در

سطح سنجش فاصله‌ای/نسبی هستند و توزیع مقادیر متغیرها به صورت نرمال است برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی:

در این پژوهش بیشترین تعداد پاسخگویان به ترتیب در جمعیت (۲۰ تا ۴۰) سال به میزان (۴۷/۷) درصد و پس از آن به ترتیب در جمعیت (۴۰ تا ۶۰) سال (۳۵/۴)، (۶۰) سال به بالا (۱۲) و زیر (۲۰) سال (۴/۹) درصد بودند که برابر جدول شماره (۱) ارائه می‌شود.

جدول شماره (۱). توزیع سن در بین نمونه آماری.

| | Frequency | Percent | Valid Percent | Cumulative Percent |
|--------------------|-----------|---------|---------------|--------------------|
| زیر ۲۰ | ۱۹ | ۹/۴ | ۹/۴ | ۹/۴ |
| ۲۰-۴۰ | ۱۸۳ | ۷/۴۷ | ۷/۴۷ | ۶/۵۲ |
| Valid ۴۰-۶۰ | ۱۳۶ | ۴/۳۵ | ۴/۳۵ | ۸۸ |
| ۶۰ به بالا | ۴۶ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

برابر جدول شماره (۲) همچنین (۵۶/۳) پاسخگویان را مردان و (۴۳/۸) درصد پاسخگویان را زنان تشکیل دادند.

جدول شماره (۲). توزیع جنس در بین نمونه آماری.

| | Frequency | Percent | Valid Percent | Cumulative Percent |
|-----------------|-----------|---------|---------------|--------------------|
| مرد | ۲۱۶ | ۳/۵۶ | ۳/۵۶ | ۳/۵۶ |
| Valid زن | ۱۶۸ | ۸/۴۳ | ۸/۴۳ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۸۸ | ۱۸۸ | |

در جدول شماره (۳) بیشترین میزان تحصیلات پاسخگویان در سطح دیپلم به میزان (۳۵/۴) درصد بود و پس از آن به ترتیب سطوح تحصیلات فوق دیپلم (۲۰/۳)، کارشناسی (۱۷/۲)، راهنمایی (۱۲/۵)، کارشناسی ارشد به بالا (۸/۹) و زیر ابتدایی (۵/۷) درصد قرار داشتند.

جدول شماره (۳). توزیع تحصیلات در بین نمونه آماری.

| | Frequency | Percent | Valid Percent | Cumulative Percent |
|------------------------|-----------|---------|---------------|--------------------|
| زیر ابتدایی | ۲۲ | ۵/۷ | ۵/۷ | ۵/۷ |
| راهنمایی | ۴۸ | ۱۲/۵ | ۱۲/۵ | ۱۸/۲ |
| دیپلم | ۱۳۶ | ۳۵/۴ | ۳۵/۴ | ۵۳/۶ |
| Valid فوق دیپلم | ۷۸ | ۲۰/۳ | ۲۰/۳ | ۷۴ |
| کارشناسی | ۶۶ | ۱۷/۲ | ۱۷/۲ | ۹۱/۱ |
| کارشناسی ارشد به بالا | ۳۴ | ۸/۹ | ۸/۹ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

برابر جدول شماره (۴) بیشترین تعداد پاسخگویان به میزان (۳۳/۱) درصد دارای شغل آزاد بوده‌اند و پس از آن به ترتیب مشاغل کارمند (۲۱/۱)، خانه‌دار (۲۰/۶)، دانشجو (۱۶/۷)، سایر مشاغل (۶/۸) و دانش‌آموز (۱/۸) درصد قرار گرفتند.

جدول شماره (۴). توزیع شغل در بین نمونه آماری.

| | Frequency | Percent | Valid Percent | Cumulative Percent |
|---------------------|-----------|---------|---------------|--------------------|
| کارمند | ۸۱ | ۱/۲۱ | ۱/۲۱ | ۱/۲۱ |
| شغل آزاد | ۱۲۷ | ۱/۳۳ | ۱/۳۳ | ۲/۵۴ |
| خانه‌دار | ۷۹ | ۶/۲۰ | ۶/۲۰ | ۷/۷۴ |
| Valid دانشجو | ۶۴ | ۷/۱۶ | ۷/۱۶ | ۴/۹۱ |
| دانش‌آموز | ۷ | ۸/۱ | ۸/۱ | ۲/۹۳ |
| سایر | ۲۶ | ۸/۶ | ۸/۶ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

برابر جدول شماره (۵) به میزان (۶۷/۴) درصد پاسخگویان را ساکنین شهر و (۳۲/۶) درصد را روستائینان تشکیل می‌دهند.

جدول شماره (۵). محل سکونت نمونه آماری.

| | Frequency | Percent | Valid Percent | Cumulative Percent |
|-------------------------|-----------|---------|---------------|--------------------|
| ساکن شهر | ۲۵۹ | ۴/۶۷ | ۴/۶۷ | ۴/۶۷ |
| Valid ساکن روستا | ۱۲۵ | ۶/۳۲ | ۶/۳۲ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

برابر جدول شماره (۶) به میزان (۸/۶) درصد اعضای نمونه تجربه مورد سرقت واقع شدن را دارند و (۹۱/۴) درصد مابقی نیز تجربه مالباختگی در اثر سرقت را نداشته‌اند.

جدول شماره (۶). تجربه مالباختگی در اثر سرقت در بین نمونه آماری.

| | Frequency | Percent | Valid Percent | Cumulative Percent |
|-----------|-----------|---------|---------------|--------------------|
| بله | ۳۳ | ۶/۸ | ۶/۸ | ۶/۸ |
| Valid خیر | ۳۵۱ | ۴/۹۱ | ۴/۹۱ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | |

آمار استنباطی

آزمون فرضیه‌ها:

- فرضیه اول: بین خسارت‌های ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول ماتریس همبستگی شماره (۷)، می‌توان گفت که با اطمینان (۰/۹۹) و سطح خطای کوچک‌تر از (۰/۰۱) بین خسارت‌های ناشی از سرقت و احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار این رابطه برابر با (۰/۳۵۷) و به‌صورت مستقیم و مثبت است.

جدول شماره (۷). ماتریس همبستگی رابطه بین خسارت‌های ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان.

| | | احساس ترس و ناامنی | |
|------------------------|---------------------|------------------------|---------|
| | | خسارت‌های ناشی از سرقت | |
| خسارت‌های ناشی از سرقت | Pearson Correlation | ۱ | **۳۵۷/۰ |
| | Sig. (2-tailed) | | ۰۰۰/۰ |
| | N | ۳۸۴ | ۳۸۴ |
| احساس ترس و ناامنی | Pearson Correlation | **۳۵۷/۰ | ۱ |
| | Sig. (2-tailed) | ۰۰۰/۰ | |
| | N | ۳۸۴ | ۳۸۴ |

** . Correlation is significant at the 0/01 level (2-tailed).

- فرضیه دوم: بین خسارت مالی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی شماره (۸)، می توان گفت که با اطمینان (۰/۹۹) و سطح خطای کوچک تر از (۰/۱) بین خسارت مالی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه معنی داری وجود دارد و مقدار این رابطه برابر با (۰/۲۵۲) و به صورت مستقیم و مثبت است.

جدول شماره (۸). ماتریس همبستگی رابطه بین خسارت مالی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان.

| | خسارت مالی | احساس ترس و ناامنی |
|--------------------|---------------------|--------------------|
| خسارت مالی | Pearson Correlation | **۲۵۲/۰ |
| | Sig. (2-tailed) | ۰۰۰/۰ |
| | N | ۳۸۴ |
| احساس ترس و ناامنی | Pearson Correlation | **۲۵۲/۰ |
| | Sig. (2-tailed) | ۰۰۰/۰ |
| | N | ۳۸۴ |

** . Correlation is significant at the 0/01 level (2-tailed).

- فرضیه سوم: بین خسارت جانی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی شماره (۹)، می توان گفت که با اطمینان (۰/۹۹) و سطح خطای کوچک تر از (۰/۱) بین خسارت جانی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه معنی داری وجود دارد و مقدار این رابطه برابر با (۰/۲۷۹) و به صورت مستقیم و مثبت است.

جدول شماره (۹). ماتریس همبستگی رابطه بین خسارت جانی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان.

| | احساس ترس و ناامنی | خسارت جانی |
|--------------------|---------------------|------------|
| خسارت جانی | Pearson Correlation | ۱ |
| | Sig. (2-tailed) | **۲۷۹/۰ |
| | N | ۳۸۴ |
| احساس ترس و ناامنی | Pearson Correlation | **۲۷۹/۰ |
| | Sig. (2-tailed) | ۱ |
| | N | ۳۸۴ |

** . Correlation is significant at the 0/01 level (2-tailed).

- فرضیه چهارم: بین خسارت حیثیتی و اخلاقی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی شماره (۱۰)، می‌توان گفت که با اطمینان (۰/۹۹) و سطح خطای کوچک‌تر از (۰/۱) بین خسارت حیثیتی و اخلاقی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان استان خراسان شمالی رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار این رابطه برابر با (۰/۲۴۸) و به صورت مستقیم و مثبت است.

جدول شماره (۱۰). ماتریس همبستگی رابطه بین خسارت حیثیتی ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان.

| | احساس ترس و ناامنی | خسارت حیثیتی |
|--------------------|---------------------|--------------|
| خسارت حیثیتی | Pearson Correlation | ۱ |
| | Sig. (2-tailed) | **۲۴۸/۰ |
| | N | ۳۸۴ |
| احساس ترس و ناامنی | Pearson Correlation | **۲۴۸/۰ |
| | Sig. (2-tailed) | ۱ |
| | N | ۳۸۴ |

** . Correlation is significant at the 0/01 level (2-tailed).

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش می‌توان گفت: بین خسارت‌های ناشی از سرقت با احساس ترس و ناامنی شهروندان خراسان شمالی رابطه معنی‌داری وجود دارد و این رابطه به صورت مستقیم و مثبت برقرار است؛ به این معنی که با افزایش خسارت‌های مالی، جانی و حیثیتی ناشی از سرقت، میزان احساس ترس و ناامنی شهروندان نیز افزایش می‌یابد و به نوعی احساس امنیت اجتماعی شهروندان کاهش خواهد یافت. از این منظر شهروندان استان خراسان شمالی، احساس امنیت را ناشی از مصونیت در برابر خسارت‌های ناشی از سرقت می‌دانند که این یافته، نظریه گیدنز را که می‌گوید: امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک‌رشته خطرهای خاص مقابله شده و یا به حداقل رسانده شده باشند و همانا امنیت، مصونیت در برابر خطرها است؛ تأیید می‌کند. همچنین در تحلیل یافته‌ها این طور استنباط می‌شود که سرقت به عنوان پدیده اجتماعی-اقتصادی نابهنجار برای افراد خسارت‌هایی را ایجاد می‌کند و موجب کاهش احساس امنیت ایشان می‌شود؛ بر این اساس می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که احساس امنیت ناشی از کاهش خسارت‌های سرقت، به عنوان یک فراگرد اجتماعی تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار دارد و این یافته با نتایج مطالعات بارانی و شاهینی و لطفی هم‌راستا است و نظریه دورکیم را که پدیده‌های اجتماعی ریشه در عوامل اجتماعی دارند، تأیید می‌کند.

همچنین در رتبه‌بندی خسارت‌های ناشی از سرقت مشاهده شد، خسارت‌های جانی بیشتر از سایر خسارت‌ها موجب کاهش امنیت اجتماعی شهروندان می‌شوند و بعد از آن به ترتیب خسارت‌های مالی و حیثیتی قرار می‌گیرند. از این رو این طور استنباط می‌شود که انواع مختلف سرقت‌ها از جمله سرقت منزل، سرقت خودرو، سرقت مغازه و مانند این‌ها علاوه بر اینکه امنیت مالی و اقتصادی شهروندان را به مخاطره می‌اندازند، موجب کاهش سطح امنیت اجتماعی افراد در حوزه امنیت جانی و امنیت حیثیتی و آبرویی نیز خواهند شد و مهم‌تر اینکه از نظر شهروندان بیشترین تهدید سرقت‌ها در حوزه جانی افراد اعم از سلامت جسمانی و روانی ایشان است؛ به این علت که سرقت، هم برای فرد تبعات جسمانی و هم تبعات روانی خواهد داشت و این یافته با نتایج مطالعات بهیان و فیروزآبادی، لطفی و مارتین هم‌راستا است.

در تحلیل یافته‌ها از آنجا که خسارت‌های مالی ناشی از سرقت البته با اثر کمتری از خسارت‌های جانی، موجب افزایش احساس ترس و ناامنی شهروندان و کاهش احساس امنیت اجتماعی می‌شوند، با استناد به نظریه حک‌شدگی سوئدبرگ و گرانووتر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی با امنیت درهم‌تنیده هستند و برقراری یک اقتصاد کامل و پویا در جامعه، تأثیر زیادی در افزایش احساس امنیت اجتماعی خواهد داشت. همچنین بازگرداندن مال مسروقه به مال‌بختگان سرقت و جبران خسارت‌های مالی ناشی از سرقت تا حدی می‌تواند موجب بازگرداندن احساس امنیت اجتماعی شهروندان شود و البته این امر در انواع مختلف سرقت‌ها متفاوت است؛ به‌طور مثال در سرقت خودرو با سرقت بانک متفاوت خواهد بود؛ ضمن اینکه در حوزه پیشگیری از سرقت نیز نصب تجهیزات امنیتی و مراقبتی مانند انواع نرده‌ها، دزدگیرها، سیستم‌های ایمنی و هشداردهنده و همچنین حضور گشتی‌های پلیسی نیز مانع ایراد خسارت به مال‌بختگان سرقت خواهد شد. در این زمینه کنترل و نظارت مستمر بر اقتصاد زیرزمینی شکل‌گرفته در حوزه سرقت‌ها مانند بازارهای خریدوفروش اموال سرقتی، مالخران و مکانیزم‌های مبادله‌ای ایشان در بازگرداندن احساس امنیت ازدست‌رفته به جامعه بسیار مؤثر خواهد بود. این یافته نظریه حک‌شدگی سوئدبرگ و گرانووتر را تأیید می‌کند و با نتایج مطالعات بارانی و شاهینی هم‌راستا است.

همچنین با توجه به اینکه بین خسارت‌های حیثیتی و احساس ترس و ناامنی نیز رابطه وجود دارد می‌توان این‌گونه استنباط کرد که افراد در روابط شخصی و اجتماعی خود مرزبندی مشخصی دارند و این موضوع در جوامع مختلف با توجه به فرهنگ متفاوت است، به همین دلیل به‌طور مثال کیف‌قاپی، سرقت گوشی تلفن همراه یا سرقت منزل می‌تواند با نقض حریم شخصی افراد توسط غریبه‌ها همراه باشد و از نظر شهروندان این امر یکی از خسارت‌های ناشی از سرقت است که احساس امنیت اجتماعی ایشان را خدشه‌دار می‌کند و ممکن است موجب ازدست‌دادن آبرو و ضربه به حیثیت و اعتبار آن‌ها شود. این یافته با بخشی از نظریه لومان که معتقد است: تا زمانی که فرد در حوزه آشنا زندگی می‌کند احساس ناامنی نمی‌کند و احساس ناامنی زمانی به وجود می‌آید که فرد پا به دنیای ناآشنا می‌گذارد، قرابت‌هایی دارد؛ چراکه افراد کمتر تمایل به اشاعه اطلاعات و رازهای شخصی خود در دست بیگانگان دارند و البته با گذار جامعه از سنت

به مدرنیته این میل کاهش می‌یابد. از آنجاکه لومان تنها راه ایجاد احساس امنیت در حوزه ناآشنا را اعتماد به سیستم‌های انتزاعی می‌داند؛ می‌توان گفت: احساس امنیت در این حوزه زمانی پایدار می‌شود که افراد به توانایی سیستم‌ها و سامانه‌های حفاظتی و مراقبتی در حفظ و مراقبت از اطلاعات و محتوای شخصی خودباور داشته باشند و دولت‌ها با گفتمان‌سازی در این زمینه و نمایش اقتدار خود در عرصه حفاظت از اطلاعات و حریم شخصی افراد با موفقیت عمل کنند.

پیشنهادها

۱. با توجه به نتیجه اصلی پژوهش در کنار برخورد و مقابله با مؤلفه جرم سرقت و فرد سارق، تمرکز و تأکید بر بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، چه بسا می‌تواند نقش بیشتری در شکل‌گیری و افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان داشته باشد. از این‌رو دولت‌ها از مسیر برنامه‌ها و سیاست‌های عملی در حوزه اقتصاد و اجتماع می‌توانند احساس امنیت شهروندان را بازتولید کرده و ارتقاء ببخشند.
۲. از آنجاکه خسارت‌های جانی اعم صدمات جسمانی و روانی تأثیر بیشتری بر احساس ترس و ناامنی شهروندان دارد؛ این یافته مهم ضرورت انجام مشاوره‌های روان‌شناختی و مداخله‌ای را در جهت بازگرداندن میزان احساس امنیت اجتماعی در خصوص افرادی که دچار سرقت شده‌اند، روشن می‌کند. چراکه به‌زعم شهروندان خسارت جسمانی و روانی ناشی از سرقت اثر بیشتری از خسارت مالی در کاهش احساس امنیت ایشان دارد و این یافته تلنگری را بر متولیان نظم و امنیت وارد می‌کند؛ چراکه نگرش سنتی و غالب موجود در گفتمان پلیسی را که می‌گوید بازگرداندن مال مسروقه، بیشترین تأثیر را در بازگرداندن احساس امنیت از دست‌رفته به مال‌باختگان دارد را با تردید روبه‌رو می‌کند.
۳. از آنجاکه بین خسارت‌های حیثیتی سرقت و احساس ترس و ناامنی رابطه وجود دارد، می‌توان با افزایش تبلیغات و آگاهی‌سازی عمومی در زمینه روش‌های درست و کارآمدتر، مراقبت و نگهداری از اطلاعات و منافع غیرمالی ارزشمند افراد از حجم و میزان آسیب‌پذیری حیثیت و آبروی افراد در اثر سرقت کاست. به‌طور مثال آموزش اینکه افراد به‌جای ذخیره کردن اطلاعات محرمانه یا تصاویر خانوادگی خود در

گوشی‌های تلفن همراه که احتمال سرقت آن بیشتر است، این اطلاعات را در فایل‌های الکترونیکی رمزدار یا حافظه‌های خارجی دارای محدودیت دسترسی نگهداری کنند.

۴. با توجه به تأثیر خسارت‌های مالی بر احساس ترس و ناامنی، این‌طور به نظر می‌رسد که در کنار رشد و شکوفایی اقتصادی ملی، کنترل و نظارت بر بازار سیاه خرید و فروش اموال سرقتی و مالخران برای بازگرداندن مال مسروقه به مال‌باخته، می‌تواند در احیای احساس امنیت از دست‌رفته ناشی از سرقت مؤثر باشد.



منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). امنیت فردی-اجتماعی و سیاسی- نظامی در قرآن. مجموعه مقالات بیست و پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم (۸ تا ۱۵ مرداد ۱۳۸۷ مشهد مقدس)، جلد (۲)، ص (۲۳-۵۵). مشهد: نشر معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷). نظریه خسارت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بارانی، محمد؛ شاهینی، نیما (۱۳۹۷). بررسی و مقایسه میزان اهمیت اثر متغیرهای کلان اقتصادی در وقوع جرم سرقت اماکن و وسایل نقلیه. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره (۴)، شماره (۱۰)، ص (۷۵-۹۸).
- بلالی، اسماعیل (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج. علوم اجتماعی، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره (۲).
- بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۸). سنجش عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت زنان در محیط‌های شهری. فصلنامه پژوهش زنان، دوره (۷)، شماره (۳)، ص (۴۹-۶۷).
- بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ (۱)، ص (۱۷). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهیان، شاپور؛ فیروزآبادی، اکبر (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها، مورد مطالعه: شهر کرمان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰). منافع ملی ما کدام‌اند؟. فصل‌نامه مطالعات راهبردی.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی دینی در شرق باستان، چاپ (۲). تهران: نشر بهمن برنا.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر سمت.
- جر، خلیل (۱۳۹۱). فرهنگ لاروس، مترجم: سیدحمید طبیبیان. چاپ (۱۹). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دلاور، علی؛ جهان‌تاب، محمد (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره (۲۷).
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). تقسیم‌کار اجتماعی، مترجم: باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی- ضمان قهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کوئن، بروس (۱۳۸۱). مبانی جامعه‌شناسی، مترجم‌ها غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- گودرزی، سعید؛ اله دادی، نورالدین (۱۳۹۹). عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره (۱۳)، شماره (۵۰)، ص (۱-۲۴).
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لطفی، عزت‌الله. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی بر جرم در کشور. رهیافت تکنیک داده‌های ترکیبی مطالعه موردی سرقت و قتل. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، دوره (۳)، شماره (۱۱)، ص (۴۱۶-۴۴۱).
- محمدی، علی؛ امیری، یاسر؛ جوهر، محمود (۱۳۹۳). اولویت‌بندی وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر سطح امنیت اجتماعی با استفاده از روش تحلیل رابطه‌ای خاکستری GRA. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره (۶)، شماره (۳)، ص (۷-۳۴).
- معین، محمد (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی. جلد (۲)، چاپ (۳). تهران: انتشارات دبیر.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۹). قانون مجازات اسلامی. تهران: نشر دیدار.
- مهابادی، علی اصغر؛ بهمن‌آبادی، سعید (۱۳۹۶). بررسی تأثیرگذاری کنترل مال‌خران در کاهش جرم سرقت با نگاه تطبیقی. فصلنامه علمی کارآگاه، دوره (۹)، شماره (۳۸)، ص (۱۳۹-۱۵۸).
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۶۸). تحلیل مبانی حقوق جزا. تهران: نشر امیرکبیر.
- نامور، سجاد. (۱۳۹۹). طراحی و سنجش شاخص تأمین امنیت در حوزه سرقت. رساله دکتری جامعه‌شناسی. خراسان رضوی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان.
- نریمانی، سعید (۱۳۹۵). سرمایه اجتماعی و احساس امنیت. رشد آموزش علوم اجتماعی، سال (۱۷)، شماره (۷۰).
- نوروزی، فیض‌الله؛ فولادی، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی. جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال (۱)، شماره (۳).
- واصفیان، فرزانه (۱۳۹۰). سرقت زنان و عوامل خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی. یافته‌های نو در روانشناسی، دوره (۵)، شماره (۲۰).
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- Innes, M. (2004), Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology, 94:95-120

- Jackson, J. (2007), Experience and expression, Social Cultural significance in the fear of crime,
- Luhmann, Niklas. (1979). Trust and power. Chichester: Wiley, pitman press.
- Martin, v. (2006), women and safety, violence against women, journal of sociology 94(supplement): p.95-120.
- Norström, Thor. (1988), Theft criminality and economic growth, Volume 17, Issue 1, March 1988, Pages 48-65.
- Swedberg, Richard and Granovetter, mark. (2020). The sociology and Economic life. Paperback, 3rd Edition.
- The British Journal of Criminology, 44:946-966.
- Zulkifli, Malina. (2014). Development of car theft crime index in peninsular Malaysia, AIP Conference Proceedings 1602, 975.

